

به نام خداوند متعال

نامه ی اکسیژن

سلام بر انسان های پیل تن. اسم من اکسیژن است. چند سالم است؟ واقعا نمیدانم! شاید بیش از یک میلیارد سال به هر حال، ما اکسیژن ها همه جا و همه وقت هستیم و از بین نمی رویم. (فقط به کربن دی اکسیدی بدبو تبدیل می شویم)

خوب، من میخوام سر گذشتم را برایتان تعریف کنم. بعضی از دختر و پسر ها از درس شیمی شکایت کرده اند پس، من داوطلب شدم تا شمارا از دست طوطی وار حفظ کردن این درس و حفظ جدول تناوبی راحت کنم.

همانطور که پیش تر گفتم، ما اکسیژن ها از همان اول اول که این گردالی آبی و سبز و قهوه ای، که شما بهش میگویید زمین به وجود آمد، بودیم و دیدیم. تعداد ما از آن قدر که شما بتوانید بشمارید هم بالا تر بوده و هست. تقریبا، فنا نا پذیریم. ولی بعضی از افراد خانواده ی بزرگ ما، با باد به شرق و غرب و جنوب و شمال رفتند، و ما هم هر از چند گاهی ممکن است با باد سری بهشان بزنیم. البته بعضی در قطب جنوب و شمال انقدر تند و تند با باد میدوند که فقط قد و قواره شان را میتوانیم ببینیم. داد میزنیم: هی برادر! هی خواهر! مشتاق دیدار!.

بعضی هامان هم بعد چند سال رفتیم توی بدن موجودات زنده و این ها بعضی هاشان خیلی زشت بودند و نجسب. بعضی هاشان هم تیغ و اسید داشتند، مثل هشت پا ها. به هر حال همه ساده بودند و حوصله سر بر. اما بالاخره بعد چند میلیارد سال انسان ها آمدند. البته، اول تعداد شما فقط دو نفر بود، که آنها هم صد تا صد تا آدم تولید کردند و کردند. خانواده ی ما از شما خوششان آمد. هر از چند گاهی، یکی مان داخل بینی و دهانتان رفته و جاسوسی می کرد. بعد از راه بازدم بیرون می آمد. شاد و شنگول و با آب و تاب از داخل بدن تان تعریف میکرد: جای خیلی گرم و نرمی ست و همیشه در حال جنب و جوش. کیف میده برای ورزش. یک بیضی ماهیچه ای سمت چپ بدنش هست که همیشه در حال تلمبه زدن است و یک عالم لوله ی سیاه و قرمز ازش بیرون زده. یک ماده ی قرمز زیبا داخل این لوله جریان دارد. جان میده برای حمام کردن!.. یکی هم از سلول ها و مولکول هایتان میگفت: یک سلول هایی دارد که بیا و ببین! پرز دار، بلند قد و دراز، تپلو، سخت و عبوس و.. در ورودی

اش دو لایه و پر از دم های اسید چربی و کله های فسفاتی است. نگهبان هایش پروتئین هایند. در را باز میکنند و بعد خدمه هایش ما را به قسمت های مختلف می برند. اکثرا میتوکندری.... _ مغزش را نمیدانی، یک عالم سیم به مغز وصل است که بهش اطلاعات محیط اطراف را میدهد!.... _ از هر نوع دندان چند تا دارد! هم برای گاز زدن گوشت و هم برای جویدن سبزیجات و گیاهان دندان دارد! خلاصه، آنقدر بدن شما عجیب بود، آنقدر پیچیده و جالب و پر تحرک بود که همه میخواستند داخل بدن شما شوند و گشت و گذار کنند. آخر سر هم بعد چند میلیون سال، بدن شما به این همه اکسیژن عادت کرد و شما شدید منطقه توریستی برای اکثر اکسیژن ها! تازه، به ما بدبخت ها رحم نکردید، یک عالم دود ساختید، ما را تبدیل به کربن دی اکسید کردید و درخت ها را قطع کردید. درخت ها مادر مایند. بچه های تازه تولید میکنند. و شما دارید مادر و خانواده ی ما را نابود میکنید. دلتان هم نمی سوزد.

من اکسیژن هستم. همین الان دارم از روی بینی یک انسان گزارش می نویسم. شما انسان ها جالب هستید. ما هنوز هم دوستان داریم. ولی اگر میدانستیم قرار است آنقدر نمک شناس باشید، هیچ وقت به بدن شما نمی آمدیم! میرفتیم و به همان موجودات دیگر و دوستان خوبمان _ فلزاتی همچون آهن _ میچسبیدیم. آنها از شما ساده ترند، ولی نمک شناس نیستند. ما عمری طولانی داریم و همه چیز را دیده ایم. داخل همه ی بدن ها شده ایم ولی تا به حال مثل شما ندیده ایم.

امضاء

اکسیژن (o2)

نویسنده: پانیذ کبیری ۱۳۹۵/۱۱/۲۹